



# حقایق الاخبار ناصری اثر محمد جعفر خورموجی

■ حقایق الاخبار ناصری  
■ محمد بن جعفر خورموجی  
■ به کوشش: حسین خدیو جم  
■ ناشر: نشرنی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ۳۸۶ ص

کتاب حقایق الاخبار ناصری تالیف محمد جعفر خورموجی است. این کتاب در زمان سلطنت ناصرالدین شاه در باب حوادث مربوط به دوران سلطنت وی به رشته تحریر درآمد و در ابتدا مورد پسند شاه واقع شده ولی پس از چندی به واسطه اینکه مؤلف در مورد قتل امیرکبیر حقیقت‌گویی نموده و قتل او را ناشی از فرمان شاه دانسته بود، کتابش مورد ایراد قرار گرفته و دستور جمع‌آوری نسخ آن صادر می‌شود.

پدر محمد جعفر، میرزا علی بیگ فرزند حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا علی فرزند حاج میرزا حسین خورموجی است. در خورموج آن زمان که یکی از قرای دشتستان بود امور ضابطی و کلانتری را عهده‌دار بودند. میرزا جعفر تا سال ۱۲۵۸ ق. همین منصب را در خورموج عهده‌دار بود تا اینکه حاجی خان حکمران دشتی میرزا را از شغل ضابطی خورموج معزول کرد. میرزا جعفر به شیراز آمد و به امارت دیوانخانه عدلیه منصوب شد تا آنکه در سال ۱۲۷۶ قمری به تهران آمد و از طرف ناصرالدین شاه به نوشتن تاریخ سلطنت مامور شد. وی در سال ۱۲۷۷ ه.ق. به حقایق‌نگار ملقب شد «که در اول همین سال

۱۰- کتاب تخطیط الساعات: این کتاب درباره چگونگی ساختن ساعت‌های آفتابی می‌باشد و یک‌نسخه خطی به زبان عربی در بانکپور (از شهرهای هند) موجود است که در سال ۱۳۶۶ ه. در حیدرآباد به‌چاپ رسیده است.  
۱۱- کتاب اسطرلاب کروی: این کتاب را بهترین تالیفات مسلمانان درباره اسطرلاب کروی دانستند و شامل چهار فصل است:

الف: مقدمه تاریخی و انتقادی  
ب: توصیف اسطرلاب کروی و امتیاز آن بر اسطرلابهای

سطح و آلات نجومی دیگر  
ج و د: موارد استعمال اسطرلاب کروی  
نسخه‌های از کتاب در کتابخانه اسکوریا موجود است.

۱۲- کتاب حوادث القرائات: نسخه خطی این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۳۱۵ موجود است.

۱۳- شرح کتاب ظاهرات الفلک: کتاب ظاهرات الفلک از اقلیدس است که فضل بن حاتم شرحی بر آن نوشته است و این از تحریر خواجه نصیرالدین بر کتاب‌فوق دانسته شده است.

فضل بن حاتم نیری در سال ۳۰۱ ه. چشم از جهان فرو بست. دانشمندان متعددی چون ابوریحان بیرونی، کمال‌الدین فارسی، نصیرالدین طوسی، ابن ندیم، نظامی عروضی و الفطی در آثار خود از او یاد کرده‌اند. امید است برپایی این کنگره مقسمه‌ای برای توسعه مطالعات مربوط به تاریخ علم و بخصوص تاریخ ریاضیات باشد چنانکه در برپایی این کنگره اساتیدبخش ریاضی دانشگاه شیراز نقش ارزنده‌ای را ایفا کردند.

سمت قبله در شهر بغداد است. ترجمه آلمانی آن به وسیله کارل شوی در نشریه گزارش فرهنگستان علوم باویر شعبه ریاضیات و ترجمه انگلیسی آن در سال پنجم مجله Isis چاپ شده است. نسخه‌های از رساله فی سمت القبلة با شماره ۲۴۵۷/۱۷ در کتابخانه ملی پاریس موجود است.

۷- شرح و تفسیر الازیعه البطلیموس: این کتاب را ابراهیم بن صاحب به عربی ترجمه و حسین بن اسحاق آن را اصلاح و فضل بن حاتم نیری بر آن شرحی نوشتند. نام این رساله را ابن ندیم و قفطی آورده‌اند ولی ظاهراً نسخه‌های از آن در دست نیست.

۸- کتاب احداث الاجو: کتابی است در هواشناسی که فضل بن حاتم نیری آن را برای المعتضد بالله شانزدهمین خلیفه عباسی به رشته تحریر در آورده‌است. یک نسخه از این رساله در کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۴۸۳۲/۲۰ موجود و فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۹ موجود می‌باشد.

۹- رساله فی معرفه آلات، یعلم بهالاعداد الاشیاء الشاخصه فی الیهواء و التي علی بسیط الارض و انجوار الاودیبه و الاجار و عروض الاتهار:

کتابی است در شناسایی و روش به کار بردن دستگاه‌های اندازه‌گیری از راه دور. این کتاب را نیری برای قاسم بن عبیدالله بن موسی وزیر خلیفه المعتضد نوشته است. نسخه‌های خطی از این کتاب در استانبول، کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۴۸۳۰/۱۵ موجود است. و ابوریحان بیرونی در کتاب اسطرلاب خود (نسخه خطی به شماره ۵۷۹۴ کتابخانه برلین) از آن نام برده است. لازم به تذکر است که در گزارشی از کنگره نسخه ایاصوفیا به شماره ۴۸۳۰ (۳۱۵-۲۳۴ ب) نیز آمده است. نسخه‌های دیگر از این کتاب با شماره ۱۶۳۶ (۱۰۰-۱۱۷ ب) در کتابخانه اسکوریا نگهداری می‌شود.



● تهماسب طالبی

[۱۲۷۷] فرخ فال نیکومال، همچنانکه در دیباچه این نامه رقم زد کلک صداقت ختامه آمد، این بنده ضعیف صداقت آیت، به تالیف وقایع دولت جاوید عدت مامور گردید. حین ماموریت قبل از انجام خدمت و بروز فدویت، حضرت ثریا منزلت، جم مرتبت، محض ظهور عنایت و مکرمت به عطای خلعت مهر طلعت، قرین اعزاز و افتخار و به لقب حقایق نگار سرافراز، و از الطاف مستمره، برقرار زمان مستقبل امیدوارم فرمود. «مؤلف در مقدمه کتاب خویش در توصیف نگارش کتابش می نویسد:

«... و به ضبط تاریخ دولت ایدمدت خویش مامورم داشت ولی مقرر شد که خالی از خرافات منشیانه و جزافات متروسلانه، طریق صدق و صواب پوی و جز از راستی و انصاف مگوی! خائن را خادم مدار و فرار را کرامشمار!... در مقابل فرمان قضا جریان شاهنشاه جهان، امثال و اطاعت محتتم و شروع در مقصود واجب کما قال الله تبارک و تعالی «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم». خورموجی علاوه بر کتاب حقایق الاخبار، سه اثر دیگر نیز دارد: ۱- آثار جعفری در تاریخ و جغرافیای ایالت فارس ۲- حقایق المصیبه در حالات

حضرت سیدالشهدا ۳- زهه الاخبار در دو جلد که جلد دوم آن آیین مظفری نام دارد و مختص جغرافیای ممالک جهان و جلد اول تاریخ و جغرافیای ایالت فارس است.

مؤلف کتاب را با ذکر و حمد خدا و وصف پادشاه زمان خویش آغاز نموده و طایفه قاجار را از اجله اتراک دشت قیچاق دانسته که «در شیمه کریمه شجاعت ودلاوری و شیوه ستوده شریعت گستری به طریقه اثناعشری مشهور آفاقند.»<sup>۲</sup> شرح مختصر از تاریخ قاجار تا زمان ناصرالدین شاه، بخشی از صفحات کتاب را در برمی گیرد. مؤلف موضوعات کتاب خویش را از سال ۱۱۳۳ شروع و تا سال ۱۲۸۴ ادامه می دهد. در برخی سالها مطالب را زیاد و در برخی سالها به طور مختصر از کنار آن می گذرد. شیوه نگارش کتاب حقایق الاخبار نسبتا ساده و خوب است ولی وقایع نگاری مطالب خواننده را با خستگی و یکنواختی مواجه می سازد. خورموجی در ذکر حوادث سال ۱۲۱۰ ه. ق. به کیفیت فتوحات و اقدامات آقا محمدخان قاجار می پردازد. شرح او درباره فتوحات حاکم قاجار مختصر است. نویسنده از نحوه برخورد آقا محمد خان در تسخیر شهرها [کشتار - قتل و غارت و... ] ذکری به میان نیاورده و در باب اقدامات آقا محمدخان در تسخیر شهر کرمان و قتل عام تفلیس سکوت اختیار کرده است. در رابطه با قتل حاج ابراهیم خان کلانتر، خورموجی اظهار داشته که «ابراهیم خان عمرش به زوال رسیده، به سعایت اضداد حساد با برادران و اولاد مکفوف البصر و معدوم الاثر آمد چون آل برمک بر هیچیک ایقا نرفت.»<sup>۳</sup> خورموجی دیگر اظهار نظر بیشتری در این مورد نمی کند.

در مورد جنگهای ایران و روسیه مؤلف به معاهده گلستان نپرداخته و با این جمله که «اصلاندوز ظفر لشکر روسیه را روی نمود» از کنار آن گذشته است. در مورد معاهده ترکمن چای هم مطلب چندانی نیست. در پذیرش صلح توسط فتحعلی شاه قاجار مؤلف عکس العمل شاه را شاید دلیل بر بی گناهی او در قبال شکست دانسته است و با این کار شاید خواسته او را از معاهده ترکمن چای و شرایط خفت بار آن که نصیب ایران گردید تبریئه نماید: «چون مقدمه مصالحه معروفی آمد اولاً مقبول خاطر مبارک نشد، تا اینکه ایلیچی مختار انگلیس با سایر دولت خواهان بیجز والحاح آتش غضب پادشاه کامل عاقل را فرو نماند بنای مصالحه نهاد.»<sup>۴</sup> نویسنده در کیفیت قتل قائم مقام توسط محمد میرزا به دو سطر بسنده کرده است و با ذکر کلمه شهید برای مرگ قائم مقام از آن واقعه گذشته است.

این کتاب  
در زمان سلطنت ناصرالدین شاه  
در باب حوادث مربوط به  
دوران سلطنت وی به رشته تحریر درآمد  
و در ابتدا مورد پسند شاه واقع شد  
ولی پس از چندی به واسطه اینکه  
مؤلف در مورد قتل امیر کبیر  
حقیقت گویی نموده  
و قتل او را ناشی از فرمان شاه  
دانسته بود،  
کتابش مورد ایراد قرار گرفته  
و دستور جمع آوری نسخ آن  
صادر می شود

او بلافاصله به صدارت میرزا آقاسی پرداخته ولی دیدگاه وی نسبت به آقاسی منفی است: «از این صدارت کل مملکت به خسارت رسید امور مملکتی مختل گشت و حقوق دیوانی لم یصل آمد.»<sup>۵</sup> در مورد امیر کبیر که یکی از علل جمع شدن کتاب وی را در این باره دانسته اند خورموجی مطالبی بیان داشته است که حاکی از کاردانی و درایت امیر نظام می باشد: «به عزمی ثابت و رایب صائب در انجام مهم مملکت شروع پیوست امرا را به اندازه مایه پایه داد و رعایا را به گنجایش مؤنه خراج نهاد. وظایف و مستمریات را خالی از افراط و تفریط مستمر و برقرار گردانید. مستوفیان و عارضان سپاه را انجمن نمود. مخارج بی حاصل گزاف را موضوع و بردخل افزود پس در مقام انتظام بلاد و امصار و رفع اشرار و هنگامه طلبان روزگار و اشتها اقتدار دولت جاوید عدت به اطراف و اقطار برآمد... به حسن رأی و رؤیت و کمال کفایت و رزانت خویش مملکت را در سلک نظام آورد و آئین عدل و انصاف بگسترده...»<sup>۶</sup>

در بیان علت قتل امیر کبیر این عبارت خورموجی که درباره امیر کبیر بیان داشته: «چون کارش در علو شان و نفاذ فرمان به غایت رسید» خواننده را به یاد خاندان برامکه

خورموجی دستور و فرمان  
ناصرالدین شاه  
مبنی بر تقسیم کارهای دولت  
میان چند وزارتخانه را بیان می‌نماید.  
مؤلف این وزارتخانه‌ها را  
وزارت عدلیه، وزارت جنگ،  
وزارت امور خارجه،  
وزارت امورات داخله،  
وزارت دیوان عدالت، وزارت صنایع  
و علوم، وزارت وظایف و موقوفات  
دانسته است



و سرنوشت آنان می‌اندازد. خورموجی یکی از دلایل عمده قتل امیر کبیر را نفوذ و گسترش بیش از حد قدرت وی در قلمرو کشوری و حکومتی دانسته است، چیزی که خود ناصرالدین شاه هم از آن در هراس افتاده بود. علت دیگر قتل امیر نظام را مؤلف «رویه تکبر و تنمر و شیوه مذمومه تجبر و تبختر دانسته است» که وی امورات مملکتی را بدون اجازه و رخصت و صوابدید خویش به انجام می‌رسانید: «طبیعت غیور سلطنت و غرور شباب و فراغت را زیاده تحمل و طاقت نماند خاطر مبارک شامعی مکرر و اتمام امرش مقدر گردید.»<sup>۱۱</sup>

عامل بعدی که به نظر خورموجی در قتل امیر کبیر تاثیر داشته است: «... در این وقت حساد و اضداد را که مترصد بودند مقامی نیکو بدست افتاد. یکایک به سعایت اتابک معروض می‌داشتند» از گفته مؤلف می‌توان استنباط نمود اصلاحات امیر بخش عمده‌ای از منافع و مصالح الیگارش حاکم را مورد تهدید قرار داده بود و به عبارت واضح و روشن «او بزرگ‌ترین ضربه را از قطع حقوق مفتخورها خورد.» تحریکات اطرافیان آنقدر در شاه جوان تاثیر گذاشته بود که وی حتی به عرایض و دلایل امیر کبیر هم توجه نمود و بر عکس: «... به حکم قهرمان طبیعت سلطنت، جلیل خان بیات با یکصد نفر سواره مشارالیه را با منشیان به کاشان برد در قریه فین عزلت گزین گردانید پس از مدت یک اربعین بر حسب صوابدید امنا و امرا فنایش بر بقا مرجع گردید حاجی علیخان فرشباشی به کاشان شتافت روز ۱۸ ربیع‌الاول در گرمابه بدون ظهور عجز و لابه، ایادئی که مدتی متمدای از یمین و یسار اعدای و اشرار را مقهور و خوار می‌داشت فصاد دژخیم نهاد اجل بقصد یمین و یسارش پرداخته به دیار عدمش روانه ساخت.»<sup>۱۲</sup>

گویا همین حقیقت گویبی خورموجی، از علل عمده بی‌لطفی شاه و اطرافیان وی به کتاب مؤلف و در نهایت جمع آوری آن گشته است. واقع حقیقت قضیه همانگونه بود که خورموجی با جرأت و شهامت مخصوص آن را در عهد ناصرالدین شاه قریب پانزده سال پس از قتل امیرنگاشته نه آنکه مورخین قبل از او از ترس شاه یا از راه‌غرض‌ورزی به رشته تحریر آورده‌اند و این امر و این راست و صریح گویی درباره امیر نظام کتاب خورموجی راحائز ارزش و اهمیت نموده است.

مؤلف حوادث دوران صدر اعظمی میرزا آقاخان نوری را شرح داده و به بی‌نظمی‌ها و اغتشاشانی که در زمان صدارت وی حادث گردید، اشاره نموده است. اشاره

به‌زلزله سال ۱۲۶۹ ه. ق. در زمان ناصرالدین شاه که «در عشر آخر رجب همین سال [۱۲۶۹] اکثر عمارات شیراز عالیها سافلها گردید قریب به ده هزار نفر صغیر و کبیر از انانث و ذکور به هلاکت رسید»<sup>۱۳</sup> در کنار مسائل وقایع‌نگاری مورخ که به شکل خسته‌کننده‌ای بیان‌گردیده تنوعی به مطالب کتاب بخشیده است هر چند از این نوع مطالب در کتاب خورموجی جسته و گریخته یافت می‌شود. به عنوان مثال در حوادث سال ۱۲۷۱ در ۱۳ ماه رجب به ولادت امیرالمومنین (ع) اشاره شده و مؤلف آورده «شهنشاه اسلام پناه مقرر گردانید که عموم‌اهالی ایران این روز شریف را چون سایر اعیاد عظیم‌جشنی عظیم گیرند و چون سایر ایام متبرکه احترامش لازم شمارند.»<sup>۱۴</sup>

از حوادث سال ۱۲۷۱ عهدنامه دوستی میان ایران و فرانسه در زمان ناپلئون سوم است که مفاد این عهدنامه در رابطه با حقوق سفرا و ترتیبات تجاری و بازرگانی و نیز مسائل قضائی در رابطه با منازعات میان اتباع فرانسه با دولت ایران و بالعکس می‌باشد. در رابطه با شورش‌ها و قیام‌های مردمی ولو آنکه حق به جانب‌مردم بوده باشد مؤلف همچون سایر مورخین در برابری اقدام آنان را سرکشی و یاغیگری و جسارت علیه دولت دانسته است. یک نمونه واضح آن در رابطه با حوادث سال ۱۲۷۱ ه. ق. است که مؤلف از یک سو حاکم آنجا را سردسته بخیلان روزگار دانسته و از تعدیات و ظلم وی سخن رانده است ولی هنگامی که مردم مظلوم و ستم‌کشیده که دستشان از همه جا کوتاه بوده بر علیه حاکم‌سر به طغیان برمی‌دارند اعتراض مردم را نادرست دانسته و می‌نویسد «امنای دربار معدلت‌مدار پس از استحضار آقاخان ماکوئی را روانه گیلان نموده اهالی آنجا را که خود سر به جسارت سربرآورده بودند کیفر داد. علما و اعیان گیلان به دارالخلافه طهران آمده تعدیات‌خان والی را مبرهن و مدلل گردانیدند.» و علیرغم اینکه ثابت شد مردم مقصر نبودند و حاکم مزبور قریب به صد



## خورموجی در ذکر حوادث سال ۱۲۱۰ ه.ق. به کیفیت فتوحات و اقدامات آقا محمد خان قاجار می‌پردازد اما از نحوه برخورد آقا محمد خان در تسخیر شهرها (کشتر - قتل و غارت و...) ذکری به میان نیاورده است

در مورد جنگ‌های ایران و روسیه، مؤلف به معاهده گلستان نپرداخته و با این جمله که «در اصلاندوز ظفر لشکر روسیه را روی نمود» از کنار آن گذشته است

خورموجی یکی از دلایل عمده قتل امیر کبیر را نفوذ و گسترش بیش از حد قدرت وی در قلمرو کشوری و حکومتی دانسته است، چیزی که خود ناصرالدین شاه هم از آن درهراس افتاده بود

کجور» را حتی المقذور حاکم بلاد گردانید و مالک الرقاب عباد. هر جا احمقی بود از شراب هوش ربای دولت مست آمد و هر کجا ابلهی، باعیش و نعمت همدست گردید. هر خزانی ربیع شد و هرتسدیسی تربیع». <sup>۱۷</sup> به دنبال این مطالب خورموجی دستور و فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر تقسیم کارهای دولت میان چند وزارتخانه را بیان می‌نماید. مؤلف این وزارتخانه‌ها را وزارت عدلیه - وزارت جنگ - وزارت امور خارجه - امورات داخله - وزارت دیوان عدالت - وزارت صنایع و علوم - وزارت وظایف و موقوفات دانسته است. <sup>۱۸</sup> مؤلف حوادث جلد دوم کتاب خویش را با شرح تغییر و تبدیل برخی از حکام و حاکمان محلی بلاد شروع نموده است. بیان حوادث خراسان و فارس و نآرامی‌های آن مناطق از دیگر مطالب این سال است. سال ۱۲۷۹ ه.ق را خورموجی به جهت تعیین شخص ولیعهد سال نیکو قال نامیده است که «مظفرالدین [شاه] که آثار شهامت و جلالت در ناحیه مبین و غره جبین او هویدا و دلایل یمن و سعادت، و مخایل بزرگی و فخامت از حرکت و سکون او پیدا، و از بطن پاک صبیبه مرضیه شاهزاده فتح الله میرزا بود» به ولیعهدی برگزیده گشت و منصب اتابکی و شغل پیشکاری شاهزاده اعظم و افخم به عزیزخان سردار کل که خدمات بزرگی برای دولت انجام داده است داده شد. وقایع ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۴ ه.ق را هم مؤلف به اختصار بیان داشته است که این مطالب شامل حوادث ریز و نیز عزل و نصب‌ها می‌شود.

از وطن پرستان در برابر بیگانگان انگلیس می‌پردازد. در جریان اوج گیری بحران دولت انگلیس به دولت ایران اولتیماتومی ارسال می‌دارد که: «در امور افغانستان دخالت نکند و چنانچه بعدها فی مابین ایران و افغانستان مخاصمتی روی دهد اصلاحش به صوابدید کارگزاران انگلیس باشد، دولت ایران عهدنامه تجارتی با دولت انگلیس را تجدید نماید و مطالبات انگلیس را سریعاً بپردازد، بندرعباس را به نوعی که خواهش و رضای سید سعید خان امام مسقط باشد به او واگذار کند و میرزا آقاخان نوری که باعث قطع روابط ایران و انگلیس شده است را دولت ایران عزل کند». <sup>۱۹</sup>

شکست قوای ایران و تن دادن ناصرالدین شاه به معاهده پاریس و شرایط این عهدنامه از دیگر مطالب کتاب است. انعقاد عهدنامه دوستی و بازرگانی بین ایران و دولت ینگلی دنیای شمالی [کشورهای متحد آمریکای شمالی] از حوادث دیگر سال ۱۲۷۳ است که مؤلف در ۸ فصل این معاهده را بیان نموده است. یکی از نکات قابل توجه در عهدنامه ایران و آمریکا که در فصل هفتم قرارداد گنج‌نایده شده و در قراردادهای ایران با فرانسه یا بلژیک یا انگلیس ذکری از آنها به میان نیامده این است که بر طبق قسمت اخیر فصل هفتم عهدنامه مزبور، نمایندگان سیاسی و بازرگانی آمریکا مقیم خاک ایران ملزم و مکلف بوده‌اند که به هیچ وجه از اتباع ایران چه آشکارا و چه پنهانی حمایت نکنند به عبارتی سفارت و کنسولگری‌های آمریکا محل پناهندگی مجرمین عادی یا سیاسی ایران نگردد و کسانی از اتباع ایران به عنوان وابستگی به نمایندگان سیاسی آمریکادرصد تخطی از مقررات کشور برنمایند. نکته دیگر که در فصل هفتم این عهدنامه ذکر شده محدودیت تعداد اعضاء سفارت و کنسولگری‌های آمریکا در ایران است. <sup>۲۰</sup> جریان عزل میرزا آقاخان نوری در حوادث سال ۱۲۷۵ آمده است. خورموجی علت عزل وی را اینگونه بیان می‌دارد «چون در رعایت خویش و تبار بی‌اختیار بود کافه منسوبان و متعلقان تا همسایگان ایشان بل اکثر اهالی بی‌شعور «نور

هزار تومان از راه ظلم از مردم گرفته است به فرمان شاه آن پول‌ها «به حیصه ضبط و تصرف کارگزاران دیوان همایون در آمد». <sup>۲۱</sup>

شاید این اندیشه خورموجی جرم نباشد که نخواسته حق را به جانب مردم بدهد چرا که در منطق مورخان و حتی اندیشمندان آن زمان که او هم یکی از آنان بوده وجود مردم و ملت و حق آنان امری بی‌مفهوم و غیر قابل تصور به حساب می‌آمده است زیرا آنان همگی نوکران شاه به حساب می‌آمدند و او چوپان این گله‌ها به شمار آمد. «ایران پادشاهی استبدادی است، توسط شاهی قدر قدرت که اکثراً جبار است اداره می‌شود قدرت را کورکورانه همه پذیرا هستند و بی‌چون و چرا مطیع خودکامگی او شامل همه می‌گردد زندگی و دارایی مردم در دست اوست...» <sup>۲۲</sup> بیان و شرح تفویض حکومت بندرعباس به امام سعید خان از جمله مطالب دیگر کتاب است. سعید خان امام مسقط در سال ۱۲۷۱ ه.ق. به تحریک انگلیسی‌ها به ادعای حکومت بندرعباس و جزیره قشم برخاست و با چند کشتی جنگی به بندرعباس حمله نمود ولی سپاهیان ایران حمله وی را رد هم شکستند. او علیرغم عقب نشینی به سواحل عمان نامه‌ای با تحف و هدایا به فارس فرستاد و بامیانجی‌گری فرمانفرمای فارس و عده‌ای از درباریان [وفشار انگلستان] زمام حکومت بندرعباس و جزایر قشم و هرمز و نواحی شمیل و میناب و بندر خمیر را برای مدت ۲۰ سال به نام خود و اولاد خویش از ناصرالدین شاه گرفت.

مؤلف در ۱۶ بند فرمان شاه را آورده است که طبق آن امام مسقط متعهد گردید که سالانه ۱۶ هزار تومان بابت خراج و مالیات و پیشکش به دولت ایران بپردازد و همیشه خود را رعیت و دست نشانده دولت ایران بداند. <sup>۲۳</sup> شعبان ۱۲۷۲ ه.ق/۱۴ - جریان محاصره هرات و پیامدهای آن که منجر به معاهده پاریس گشت وقایع مهم سال ۱۲۷۳ ه.ق را در بر می‌گیرد. مؤلف به تشریح این حوادث پرداخته و چگونگی محاصره این شهر را کاملاً شرح می‌دهد سپس به جریان تصرف خاک و جنگ بوشهر و جان‌فشانی عده‌ای

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱) خورموجی، محمد جعفر: حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوچ، نشرنی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۳، ص ۲۶۷.
- ۲) همان، ص ۲.
- ۳) همان، ص ۳.
- ۴) همان، ص ۱۲.
- ۵) همان، ص ۱۹.
- ۶) همان، ص ۲۵.
- ۷) همان، ص ۴۵ و ص ۱۰۳.
- ۸) همان، ص ۱۰۴.
- ۹) همان، ص ۱۰۵.
- ۱۰) همان، ص ۱۲۵.
- ۱۱) همان، ص ۱۴۶.
- ۱۲) همان، ص ۱۵۹.
- ۱۳) عظمی قریبه شکوه: روزنه‌ای به تاریخ ایران بر سده‌های گذشته، ترجمه دکتر ژان قریب، تهران، شرکت سهامی انتشار - ۱۳۷۷، ص ۷۲.
- ۱۴) خورموجی، پیشین، ص ۱۶۸.
- ۱۵) همان، ص ۱۹۵.
- ۱۶) همان، ص ۲۲۴ و شمیم، علی اصغر: ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۶.
- ۱۷) خورموجی، پیشین، ص ۲۳۹.
- ۱۸) همان، ص ۲۴۳.